

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: تی یری میسان
برگردان از: حمید محوی
۱۵ سپتمبر ۲۰۱۳

عصر روشنائی علیه استعمار

رویدادهائی را از ۲۱ اوت به این سو مشاهده کردیم (اعلام بمباران سوریه توسط متفقین که مجلس عوام مردود اعلام کرد) رقابت میان قدرت های بزرگ استعماری نیست، بلکه نشان قیام مردم غرب علیه رهبرانیشان است. برای تی یری میسان، غربی ها از این پس با تناقضاتشان رویارویی می کنند: بهره بردای از جهان با اعمال قدرت یا زندگی در صلح در تبعیت از امپراتوری خرد.

شبهه ولتر/دمشق(سوریه)/ ۱ سپتمبر ۲۰۱۳



ولتر و روسو. دو فیلسوفی که تمایلات طبقه ممتاز را نمایندگی می کردند، نظم جهان را زیر علامت سؤال بردند. آنها به جای تسلط انسان سفیدپوست و مذهبش، خرد را ترجیح می دادند. به همان شکلی که در تراژدی یونانی می بینیم، غربی هائی که بمباران سوریه را اعلام کرده بودند در این ساعت کاری نکردند ولی به دریدن یکدیگر پرداختند. اورپیید می گوید: «آنانی را که خدایان می خواهند از بین ببرند، ابتداء به جنون مبتلایشان می کنند».

از یک سو دولت های عضو دائمی شورای امنیت، بارک اوباما، دیوید کامرون و فرانسوا هولاند، و از سوی دیگر ملت هایشان. از یکسو تکبر بی حد و مرز قدرت های بزرگ استعماری، و از سوی دیگر متفکران عصر روشنائی و خرد. مقابل آنها، سوری ها، در سکوت و در مقاومتی خستگی ناپذیر، و متحدان آنها، روس ها و ایرانیان به صحنه چشم دوخته اند.

نمایشنامه ای که به روی صحنه آمده، هزار و یکمین فصل تسلط جهانی نیست، بلکه دوران مفصلی را ماند که از سال ۱۹۵۶ و پیروزی ناصر در آب راه سوئز در تاریخ بی سابقه است. در آن دوران، بریتانیا، فرانسه و اسرائیل می بایستی از رویای استعماری خود قطع نظر می کردند. البته، جنگ های دیگری به وقوع پیوست، جنگ الجزائر، ویتنام و پایان آپارتاید در آفریقای جنوبی، ولی آن جهشی که غرب را در رأس جهان قرارداد، در هم شکسته بود.

با این وجود این رویا مجدداً توسط جرج دبلیو بوش در تسخیر عراق حیات تازه ای به خود دید. با مشاهده خفگی اقتصادی شان در اتمام دوران نزدیک نفت خام (بر اساس نظریه «نفت در نقطه اوج»)، شرکت های چند ملیتی ایالات متحده از نیروهای نظامی متحدان برای استعمار مجدد شرق استفاده کرد. طی یک سال، یک شرکت خصوصی با مجوز موقتی متفقین، در عراق حکمفرمائی کرد و تا می توانست به غارت برد. این رویا، به گفته ژنرال ولسی کلارک، فرمانده اسبق ناتو می بایستی در لیبیا، سوریه و لبنان تحقق یابد و سپس در سومالی و سودان، پیش از آن که در نقطه اوج خود ایران را ببلعد.

با این وجود، تجربه عراق نشان داد، حتی در کشوری از پا افتاده پس از سالها جنگ علیه ایران و پس از تحمل سالها محاصره اقتصادی، استعمار کردن یک ملت تحصیل کرده ناممکن است. تفاوت وضعیت بین غربی هایی که سواد خواندن و نوشتن داشتند و تسلط بر باروت، و بقیه جهان از میان برداشته شده است. و حتی بی سوادترین ملت ها می توانند به تلویزیون نگاه کنند و درباره مسائل بین المللی فکر کنند.

این الگو یک نتیجه مستقیم در بر دارد: ملت های غربی تشنه خون نیستند. با اطمینان به برتری خود به فتح جهان رفتند و لت و پار به خانه بازگشتند. امروز این ماجراجویی جنایتکارانه را نفی می کنند که تنها به نفع ناخداهای صنایع تمام می شود. این مفهوم رأی مجلس عوام است که طرح حمله به سوریه را که دیوید کامرون روی میز گذاشته بود مردود دانستند.

آیا ملت ها از اعمال خود آگاهی روشنی دارند؟ مطمئناً نه. نادر هستند غربی ها، اروپائی ها و امریکای شمالی هایی که بدانند، پیش از آن که باران بمب آغاز شود، چگونه ناتو بنغازی را از لیبیا جدا ساخت و آن را به عنوان انقلاب علیه معمر قذافی به جهانیان معرفی کرد. به ندرت افرادی پیدا می شوند که در ترکیب پرچم ارتش آزاد سوریه، سبز، سفید و سیاه، دوران استعمار فرانسه را شناسائی کرده باشند. با این وجود همه می دانند که موضوع چیزی به جز بازگشت استعمار نیست.

ارتباطات «دائینگ استریت» و کاخ سفید مملو از تکبر است. در یادداشتی در مورد وجهه قانونی جنگ، سرویس های نخست وزیر بریتانیا گزارش می دهند که بریتانیا می تواند برای جلوگیری از جنایت، خارج از مجوز شورای امنیت مداخله کند، با این شرط که مداخله روی این هدف تمرکز داشته باشد و متناسب با تهدید باشد. ولی چگونه می توانند مدعی شوند که با بمباران یک کشور، هدفشان جلوگیری از به کار بستن سلاح کیمیائی توسط ارتش آن کشور است؟

کاخ سفید به سهم خود بیانیه ای از گزارشات سرویس های اطلاعاتی اش تهیه کرد و اطمینان داد که دولت سوریه از سلاح کیمیائی استفاده کرده است. می بایستی سالانه بیش از ۵۰ میلیارد دلار بودجه هزینه می کردند تا این

نظریه توطئه خالی از هر گونه مدرک عینی را عرضه کنند؟ سال ۲۰۰۱ و ۲۰۰۳ اتهام به جای قانون حکمفرمائی می کرد. کولین پاول می توانست به افغانستان حمله کند، و با این قول که به شکل مابعدی مدارک کافی مبنی بر دخالت طالبان در حمله ۱۱ سپتمبر را عرضه خواهد کرد یعنی مدارکی که هرگز به شورای امنیت راه پیدا نکرد. کولین پاول می توانست مکالمات تلیفون ساختگی که هرگز وجود خارجی نداشت را گوش دهد و لوله انباشته از شکر را به جای مدرک جرم نشان دهد، و با تکی هبه دروغ پردازی عراق را دروغ کند و بعد به خاطر دروغ هایش عذرخواهی کند.

ولی امروز غرب با تضادهایش با رویارویی طرفداران استعمار و عصر روشنائی مواجه شده است. آنچه امروز در سوریه در شرف تکوین به نظر می رسد، مشخصا آینده جهان است. رهبران دولت های غربی، که پیوسته در پی منافع و قدرت هستند، در فقدان توانائی برای استثمار ملت های خودشان، بلند پروازی هایشان را متوجه کشورهای خارجی ساخته اند. آنها توسط نمایندگان مردم محکوم شده اند. رأی بریتانیائی ها، اگر مجلس شورای ملی در فرانسه برای سرنوشت جنگ فراخوانده شود تکرار خواهد شد و به همین نسبت در ایالات متحده، وقتی به کنگره رجوع داده شود.

به جای حل مسائل اقتصاد داخلی، واشینگتن، لندن و فرانسه در بیانیه های ستیزه جویانه با هم رقابت می کنند، و روی ویرانه های افتخارات رنگ باخته خود یک دیگر را می درند.

منبع :

<http://www.voltairenet.org/article179999.html>

گاهنامه هنر و مبارزه

۱۲ سپتمبر ۲۰۱۳